



The role of interactive planning in today's urban planning field as perceived by professionals

ARTICLE INFO

Article Type
Analytic Study

Authors

Shadi Shokri Yazdan Abad ¹
Mojtaba Rafieian ^{2*}

How to cite this article

Mof

URL: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-74295-fa.html>

ABSTRACT

Aims: During the 1960s to 1980s, urban planning changed from a completely elitist and value-free perspective to a value-based and participatory model. interactive planning as one of the most important contemporary heritages of urban planning has received the attention of professionals in this field. The research aims to identify interactive planning factors as perceived by professionals in the contemporary period.

Methods: The research method has been done in terms of applied type and with a combined (quantitative-qualitative) method. After extracting the indicators by reviewing the sources, 175 questionnaires were completed by Urban planning professionals. Cronbach's alpha of the data was calculated and then the factor analysis method was implemented.

Findings: Cronbach's alpha of the data was 0.930, which indicates the high reliability of the research data for further analysis. The research findings after 10 varimax rotations showed 6 factors with a variance close to 60% (58.63) for extraction.

Conclusion: The results of the research indicate that from the point of view of contemporary urban planning professionals, factors such as contributing citizens, giving them the power of citizenship, transparency, and awareness, supporting institutions, pluralism, a sense of belonging, and the responsibility of citizens have an impact on this type of planning. Therefore, it is suggested that managers, planners, designers, and all factors affecting urban planning pay attention to the mentioned factors in order to promote interaction. So that interactive planning (one of the contemporary heritages of urban planning) provides the context for participation and interaction and as a result more effectiveness.

Keywords: Interactive planning, Urban planning professionals, Contemporary heritage of urbanism, Factor Analysis

CITATION LINKS

1- Ph.D. Candidate of urban planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

2- Professor of Urban planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

*Correspondence

Address: Department of Urban planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Email: rafiei_m@modares.ac.ir

Article History

Received: 2024.

Accepted: 2024.

Published: 2024.

[1] Mohammadzadeh Titkanlu H. Transformation in urban planning.....[2] Sharifzadegan MH, Shafiei A. Communicative planning as a proposed approach.....[5] Irazabal C. Realizing planning's emancipatory promise:.... [6] Dadashpour H, Rafiyan M, Haqjo MR. The necessity of applying.....[9] Bintari A, Akbar I. Collaborative planning in policy-making process.....[10] Mattila H. Habermas revisited: Resurrecting the contested roots.....[11] Du G, Kray C, Degbelo A. Interactive immersive public.....[12] European Institute for Public Participation (EIPP). Public Participation.....[13] Brand R, Gaffikin F. Collaborative planning in an uncollaborative.....[14] Bäcklund P, Mäntysalo R. Agonism and institutional ambiguity...[16] Ruknuddin Eftekhari A, and Behzadnasab J. Communicative planning.....[17] Rafiyan M, Maroufi S. The role and application of communication.....[23] Hedayati Fard M. Analyzing the necessity of using collaborative.....[24] Firoozi MA, Sajjadian N, Alizadeh H. Prioritizing the application.....[25] Motusoli M, Haji Ali Akbari K. collective action; The connection....[27] Mokhberi M, Partoi P. Analysis of institutional.....[29] Karimzadeh D, Dawoodpour Z. Democratic approaches....[30] Rezapour M, Bahraini SH, Tabibian M. Evaluation.....[31] Sabermanesh A, Ahmadi H, Barati N. Explaining the components.....[32] Nasiri Y, Daudpour Z, Moinifar M. The theory of participatory.....



کارکرد برنامه ریزی تعاملی در دوره معاصر از دیدگاه حرفه مندان رشته شهرسازی

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: تحقیق بنیادی

نویسندگان

شادی شکری یزدان آباد^۱

مجتبی رفیعیان^{۲*}

*۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. استاد شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

نویسنده مسئول *

rafiei_m@modares.ac.ir

تاریخ مقاله

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

ارجاع دهی

مفر

URL: <http://b>

این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهینامه بین المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License منتشر می شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازاریابی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می دهد.

اهداف: طی سده ی ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی برنامه ریزی شهری از یک نگاه کاملاً نخبه گراییانه و عاری از ارزش به یک مدل مشارکتی و مبتنی بر ارزش رسید. در این راستا برنامه ریزی تعاملی به عنوان یکی از مهم ترین میراث معاصر شهرسازی مورد توجه حرفه مندان این رشته قرار گرفته است. هدف از پژوهش شناسایی عوامل موثر بر برنامه ریزی تعاملی از دیدگاه حرفه مندان رشته شهرسازی در دوره معاصر است.

روش ها: روش پژوهش به لحاظ نوع کاربردی و با روش ترکیبی (کمی-کیفی) انجام شده است. پس از استخراج شاخصها از طریق مرور منابع، تعداد ۱۷۵ پرسشنامه توسط حرفه مندان رشته شهرسازی تکمیل شده است. آلفای کرنباخ داده ها محاسبه شده و سپس روش تحلیل عاملی اجرا شده است.

یافته ها: آلفای کرنباخ داده ها عدد ۰.۹۳۰ بوده است که حاکی از پایایی بالایی داده های پژوهش جهت ادامه تحلیل است. یافته های پژوهش پس از ۱۰ چرخش واریماکس تعداد ۶ عامل با واریانس قریب به ۶۰ درصد (۵۸.۶۳) را جهت استخراج نشان داد.

نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاکی از آن است که از دیدگاه حرفه مندان رشته شهرسازی در دوره معاصر، درمجموع عواملی نظیر سهیم نمودن شهروندان، دادن قدرت شهروندی به آنها، شفاف سازی و آگاهی بخشی، نهادهای پشتیبان، کثرت گرایی و تکثر گرایی و حس تعلق و مسئولیت شهروندان بر این نوع از برنامه ریزی ها تاثیر دارد و لذا پیشنهاد میشود مدیران، برنامه ریزان، طراحان و تمامی عوامل موثر بر برنامه ریزی شهری، عوامل ذکر شده را به منظور ارتقا تعامل مورد توجه قرار دهند تا برنامه ریزی های تعاملی به عنوان یکی از میراث معاصر شهرسازی زمینه مشارکت و تعامل و در نتیجه اثربخشی بیشتر را فراهم آورد.

کلیدواژه ها: برنامه ریزی تعاملی، حرفه مندان رشته شهرسازی، میراث معاصر شهرسازی، تحلیل عاملی

مقدمه

«مطرح شدن مقوله هایی چون انسانی کردن علم، ملاحظات ارزشی و اخلاقی، افکار عمومی، نظریات و تجربه های مردم و عوامل فرهنگی در دیدگاههای جدید برنامه ریزی، از جمله در نظریه های انسان گرایانه و نظریه های مبتنی بر ارزش های اخلاقی، متفاوت با مبحث «عاری از ارزش بوده» در سنت منطق گرا و علم گرای برنامه ریزی می باشد. در یک روند تکاملی، برنامه ریزی عاری از ارزش، به تدریج، جای خود را به برنامه ریزی مبتنی بر ارزش ها می سپارد، روش های ارزیابی نیز در فرآیند اصلاح و تکمیل خود، از تحلیل هزینه و فایده خالص اقتصادی طرحها، به تحلیل منافع گروههای متأثر از اقدامات برنامه ریزی و عدالت و مشارکت و محیط زیست رسیده اند» [۱]. «در حیطه عمل برنامه ریزی، طی سده ی ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی، برنامه ریزی شهری از یک نگاه کاملاً نخبه گراییانه به یک مدل مشارکتی رسید» [۲]. مدل های تعاملی در برنامه ریزی به شیوه های مختلف به کار گرفته شده است. این مدل ها علیرغم داشتن ماهیت مشترک، در بسترها و زمینه های متفاوت تحت عناوین مختلف به کار گرفته شده اند. یکی از بزرگترین معضلات در عرصه برنامه ریزی شهری شکاف بین نظریات مطرح شده و عمل صورت گرفته است. یکی از این نظریات مرتبط با ویژگی های برنامه ریزی تعاملی است که هرچند در سیر دهه های مختلف تکامل یافته و نظریات جالب توجهی نیز در خصوص آن مطرح شده است، در عرصه عمل و در ارگان ها و نهادهای مرتبط با شهر و شهرسازی چندان به کار گرفته نمیشود. این پژوهش به دنبال آن است تا عوامل موثر بر برنامه ریزی های تعاملی از دیدگاه حرفه مندان رشته شهرسازی ایران در عرصه عمل و کارامدی اجرایی آن را مورد شناسایی و تحلیل قرار دهد.

تحول گفتمان های پارادایمی در عرصه شهرسازی

دیدگاه ها و نظریات شهرسازی را میتوان به دو دسته کلی دیدگاه های سنتی و جدید تقسیم بندی نمود [۳]. «بروز و ظهور نظریات جدید را میتوان از دهه ۱۹۸۰ به بعد دانست. در این میان «برنامه ریزی ارتباطی را میتوان یکی از نظریه های مطرح از دهه ۱۹۹۰ به این سو قلمداد نمود که با اقبال گسترده ای رو به رو شده است. این نظریه برآن است تا با

فاصله گرفتن از رویکردهای خردگرایانه و فردباورانه دهه های پیشین، روزنه ای باشد به سوی رویکردهای اجتماع محور که از فرایندهای پایین به بالا با تاکید بر مقیاس محلی در برنامه ریزی استفاده میکند» [۴]. برنامه ریزی ارتباطی با تاکید بر چارچوب های هابرماسی، سعی در نظریه پردازی روابط فرافردی بین عاملی در برنامه ریزی دارد. این دیدگاه، «بر اساس کار فیلسوف یورگن هابرماس، پیشینیان وی در مکتب فرانکفورت، و مشارکتهای عمل گرایان آمریکایی است، بر این مفهوم تمرکز دارد که فرآیندهای مشارکتی و با دقت طراحی شده با مشارکت چند ذی نفع می تواند به ایجاد اجماع در مورد مسائل اجتماعی حیاتی و تقویت آن کمک کند» [۵]. «نظریه برنامه ریزی ارتباطی، برنامه ریزی شهری را فرایندی دارای میانکنش میداند که با گفتگوهای شایسته و سازنده در درون و بین جوامع و گروههای درگیر در مناظره امکانپذیر می شود. این میانکنش که شامل شناخت، ارزش گذاشتن، گوش کردن و جستجوی امکانات ترجمه افکار گروههای درگیر مختلف در فرایند برنامه ریزی می شود، شکلی از تبادل یا چانه زنی در مورد منافع از پیش تعیین شده نیست، بلکه یک فرایند یادگیری دوسویه توسط کوشش در درک متقابل است» [۶]. برنامه ریزی تعاملی یکی از انواع برنامه ریزیها در دیدگاه های جدید است که بر پایه نظریات برنامه ریزی ارتباطی شکل گرفته است. علاوه بر موارد فوق، دسته بندی دیگری نیز وجود دارد که در آن «تاریخ برنامه ریزی با سه پارادایم رو به رو بوده است. اولین آنها پارادایم برنامه ریزی سیناپتیک است که عمدتاً بر نظریه برنامه ریزی خردگرا منطبق است. این پارادایم در عمل تحت عنوان برنامه ریزی بخشی - کالبدی هم قابل تشخیص است و به آن برنامه ریزی سنتی هم گفته اند. پارادایم دوم پارادایم برنامه ریزی جامع است که بر نظریه برنامه ریزی سیستمی منطبق است و بالاخره پارادایم سوم که با نام هایی مثل برنامه ریزی دموکراتیک یا برنامه ریزی تعاملی و مشارکت مبنا شناخته می شود و با نظریه های جدید پسا اثبات گرا مثل نظریه ارتباطی یا نظریه پراگماتیک نو سازگاری دارد. در عمل این سه پارادایم برنامه ریزی با هم، هم پوشانی دارند و هیچ کدام به صورت کاملاً خالص دیده نمی شوند. اما پارادایم اول تا اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی و پارادایم دوم در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰

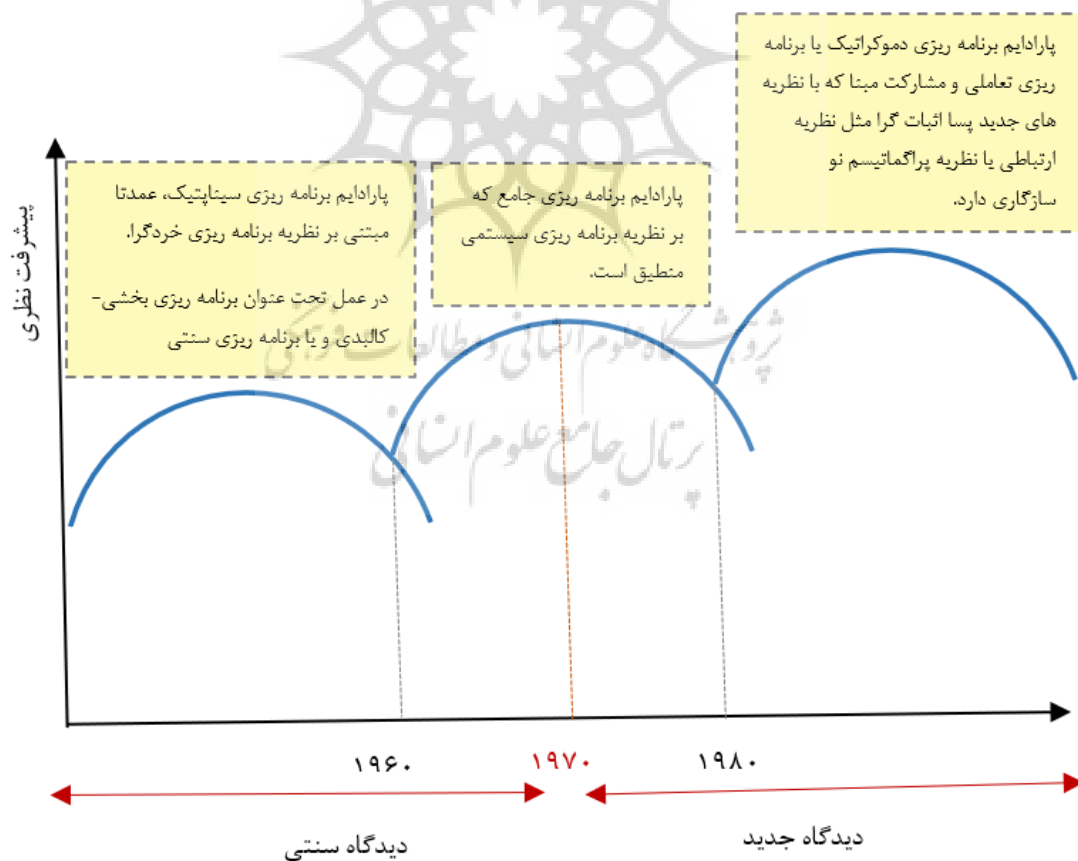
طبق مؤسسه اروپایی مشارکت عمومی (EIPP) مشارکت عمومی را می توان اینگونه تعریف کرد: «فرایند مشورتی که در آن شهروندان ذینفع یا متأثر، سازمان های جامعه مدنی و بازیگران دولتی در سیاست گذاری قبل از اتخاذ تصمیم سیاسی درگیر می شوند [۱۱ و ۱۲].

اینس عبارت "پارادایم در حال ظهور" (۱۹۹۵) را برای توصیف نقش برنامه ریزی مشارکتی برای نظریه برنامه ریزی به کار برده است [۱۳]. به نظر می رسد برنامه ریزی مشارکتی به عنوان یک رویکرد گفتگوی فراگیر برای شکل دادن به فضای اجتماعی با ویژگی های خاصی از جامعه معاصر مطابقت دارد [۱۳]. تئوری های برنامه ریزی مبتنی بر ارتباط و تعامل از دیدگاه جامع- خردگرا، به دیدگاه اندک افزایی و سپس ارتباطی و مجادله ای تحول پیدا کرده است (شکل شماره ۲) [۱۴].

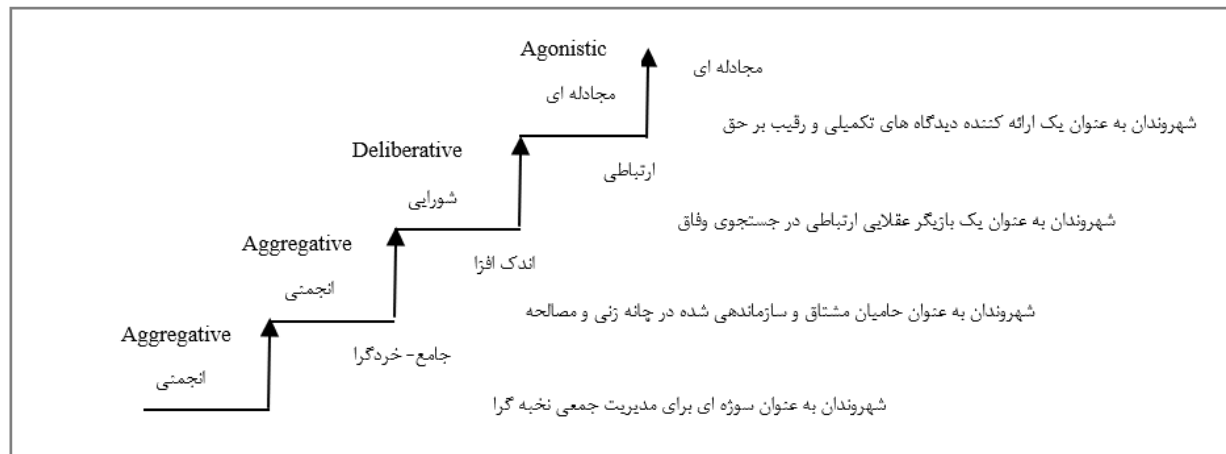
و پارادایم سوم در دهه ۱۹۸۰ به بعد غلبه داشته اند» [۷]. (شکل شماره ۱)

انگاره برنامه ریزی تعاملی

دانش‌واژه "برنامه‌ریزی تعاملی و دوسویه" در دهه ۱۹۹۰ به یکی از عبارات کلیدی در قاموس نظریه برنامه ریزی مبدل شده است [۸]. این نوع از برنامه ریزی، فرآیندی است که در آن ذینفعان، مشکلات را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار می دهند و مشارکت و ارتباطات در آن نقش پررنگی دارد [۹]. در این راستا ایده اصلی در این نوع برنامه ریزی این است که برنامه ریزی از طریق افزایش کیفیت و کمیت ارتباطات بین افراد و کنشگران یا شهروندان میتواند به دموکراتیک تر و منصفانه تر شدن فرآیند برنامه ریزی کمک کند [۱۰]. در این سیر مشاوه با شهروندان گامی اساسی در فرآیند برنامه ریزی شهری است تا اطمینان حاصل شود که در شهر نیازها و خواسته های ساکنان برآورده می‌شود [۱۱].



شکل ۱: تحولات پارادایمی گفتمانهای شهرسازی



شکل ۲: تحول تئوری های برنامه ریزی مبتنی بر ارتباط و تعامل

جامعه صنعتی را دارد. وی ارتباطات و کنش ارتباطی انسان را به منظور موفقیت این امر مشهود می‌داند [۱۷]. «هابرماس با انتقاد از عقلانیت ابزاری نوع دیگری از عقلانیت به نام عقلانیت ارتباطی را معرفی می‌کند و به دلیل کاوش بیشتر در ماهیت این دو نوع عقلانیت کمک زیادی به شناخت و فهم بهتر نظریه برنامه ریزی های تعاملی و مشارکت مبنا می‌کند. هابرماس چهار اصل اساسی برای مقبولیت گفتمان ها را مطرح می‌نماید که عبارت اند از: آسان فهمی، درستی و صحت، مشروعیت، صداقت» [۷، ۱۵]. در واقع «هابرماس نشان داده است که چگونه راهبرد تکنوکراتیک (فن سالارانه) در تصمیم گیری به تصمیماتی مشروعیت علمی داده است که غالباً در مشاوره های باز و عمومی منجر به اجماع نمی شوند. مخالفت او با چنین رویه ای معطوف به احیای حوزه عمومی به شیوه ای است که حاوی گفت وگوهای ارتباطی باشد و زمینه را برای نوعی عقیده سازی که به تصمیم گیری های اجماعی منجر گردد فراهم کند» [۱۸].

تحلیل مناسبات قدرت فوکو

یکی دیگر از نقاط عطف در فلسفه که تاثیر بسیاری در برنامه ریزی های تعاملی و مشارکت مبنا داشته است، نظریه فوکو می باشد که سبب لغزش مفاهیم مرتبط با قدرت در نظریات برنامه ریزی شده است [۴]. «می توان گفت، از دیدگاه فوکویی ضعف بنیادی پروژه ی هابرماسی عدم توافق میان آرمان و واقعیت، مقاصد و تحقق آنها است که از مفهوم نارسای قدرت سرچشمه می گیرد» [۴]. «نقد فوکویی گویای این است که

نکته مهم در پارادایم تمامی تئوری های برنامه ریزی از بدو تکوین، پایه هایشان بر نگرش فلسفی استوار بوده است. مهم ترین منبع فکری و فلسفی نظریه برنامه ریزی ارتباطی در شهرسازی ریشه در نظریات یورگن هابرماس فیلسوف آلمانی متعلق به مکتب انتقادی فرانکفورت دارد [۴]. برنامه ریزی تعاملی و برنامه ریزی ارتباطی در پایه های فلسفی و فکری مشترک است. همانطور که هیلی (۱۹۹۷، ۱۹۹۶)) اشاره می کند، سه موضوع تأثیر اساسی بر برنامه ریزی های تعاملی و مشارکت مبنا داشته اند؛ اولین و مهمترین این موضوع، کار یورگن هابرماس در خصوص زیرسوال بردن عقلانیت ابزاری است. موضوع دوم، کار میشل فوکو است که اشاره به معناها و ماهیت های بالقوه غالب و پنهان در روابط قدرت دارد. در نهایت، سومین موضوع کار آنتونی گیدنز و مکتب نهادگرایانه است که در پی جستجو شبکه های روابط اجتماعی و راه هایی برای همزیستی جامعه می باشد. در این میان عقلانیت ارتباطی هابرماس به عنوان ستون فقرات این رویکرد معرفی شده است [۱۵]. به صورت کلی ریشه های انواع برنامه ریزی های تعاملی ریشه در نظریه کنش ارتباطی هابرماسی، شکست برنامه ریزی عقل گرایی و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد. همچنین این اندیشه ریشه در نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت دارد [۱۶].

نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت

یورگن هابرماس از معدود متفکران مکتب فرانکفورت معتقد است تمدن بشری توانایی گریز از خودبیگانگی و سایر تبعات

به تفاوت‌های فرهنگی و بومی به عنوان یک ارزش، برنامه ریزی شهری بیشتر از پیش اعتقاد پیدا کرد که برنامه ریزی و اداره شهر باید در یک فرآیند از پایین به بالا ایجاد و طی شود. یکی از مهمترین نظریه های برنامه ریزی در این دوران به عنوان جایگزین، نظریه برنامه ریزی ارتباطی و رهیافتهای مختلف آن بود. این رهیافتهای با ایجاد شرایط دموکراسی مستقیم و تعاملی، کلیه گروههای ذینفع و ذیمدخل، مؤثر بر فضا را به طرق مختلف دور هم جمع میکند و سعی در حصول یک همایی یا مصالحه میان آنان دارد. در این نظریه و رهیافتهای مرتبط، برنامه ریز نقش مفسر و تسهیل گر دارد» [۲]. یکی از مهم ترین مسائل در ارتباط با موضوع برنامه ریزی های تعاملی، بررسی این موضوع در حیطه های میان رشته ای، نظیر حرفه- رشته شهرسازی است، پژوهش های متعددی به این موضوع از زوایای مختلفی پرداخته اند. در این بخش بدلیل رعایت اختصار، تنها به بررسی برخی از مهم ترین سوابق موضوع رهیافت های برنامه ریزی های تعاملی پرداخته شده است. (جدول شماره ۱) [۲، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳].

با توجه به بررسی های انجام شده می توان بیان کرد که بیشتر مطالعات در زمینه برنامه ریزی های تعاملی به موضوعاتی مانند تعریف و تبیین این نوع از برنامه ریزی ها به عنوان رویکردی نوین، پارادایمی جدید در نظام شهرسازی، به کارگیری آن در مقیاس های مختلف، الزامات به کارگیری آن در ایران، ارتباط برنامه ریزی های تعاملی با سایر مولفه های کیفیت ها و ضرورت های به کارگیری آن پرداخته است. با این وجود به نظر می رسد به موضوع عوامل مؤثر بر این نوع از برنامه ریزی ها از دیدگاه حرفه مندان رشته شهرسازی پرداخته نشده است و بنابراین این مقاله می تواند با بررسی این موضوع، نقطه آغازی در راس پژوهش های بعدی باشد و به صورت کاربردی نیز به کار گرفته شود. وجه تمایز این پژوهش با پژوهش های پیشین در این است که در این پژوهش به بررسی و استخراج عوامل مؤثر بر برنامه ریزی های تعاملی در رشته شهرسازی از دیدگاه حرفه مندان این رشته که در این حیطه مشغول به کار هستند پرداخته شده است.

انکشاف سیاست گذاری مبتنی بر نظریه ارتباطی برنامه ریزی، برخلاف انتظارات، احتمالاً در برابر عملکرد قدرت آسیب پذیر است، به دستکاری و کنترل، آشفتگی و طرد، و دیگر تحریف ها اجازه می دهد تا این فرآیند را مختل کنند» [۱۹]. «گفتمان فوکویی نشان می دهد که نظریه های برنامه ریزی از مواجهه بسنده با پویایی قدرت/ دانش در سیاست گذاری ناکام مانده اند» [۱۹].

جنبش عمل گرایی نوین (نئوپراگماتیسم)

«عمل گرایی نوین با منشاء آمریکاییش مبتنی بر تفکرات جان دیویی و ریچارد رورتی مطرح شده است. این دیدگاه بر پایه تجربه گرایی و واقع گرایی کوشش نموده تا برای دانش، بنیادی تجربی و آزاد از هر گونه ساختمان منطقی کشف نماید و تجربه را در اولویت بر نظریه به عنوان بهترین داور درستی و کاربستی بودن معرفی می کند. از اینرو، از دیدگاه این جریان فکری فرآیند برنامه ریزی به مثابه یک فرایند پیچیده اجتماعی می بایست بر پایه تجربه در بطن اجتماع به وقوع بپیوندد و نه به عنوان یک فرایند تجریدی و انتزاعی» [۲۰].

گفتمان گیدنزی در تفکرات برنامه ریزی تعاملی

«گیدنز این نظریه را نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ مطرح کرده است و کاملترین صورت آن را در کتاب "ساخت جامعه" بیان نموده است» [۴]. «ساخت یابی گیدنز را می توان نوعی تئوری تلفیقی در جامعه شناسی به شمار آورد که با نقد تئوری های پیش از خود، در دو قالب خرد و کلان، درصدد طرح نوعی بینش تئوریک جامع تر برآمده است. در این تئوری در سطح خرد و کلان در زیست اجتماعی پیوندی ناگسستنی با یکدیگر دارند» [۲۱]. گیدنز معتقد است که بین خردترین سطح جامعه (نظیر تصور شخصی و هویت فردی) و سطح کلان (نظیر دولت و شرکت های جهانی و چند ملیتی) ارتباط و تاثیرات غیرقابل چشم پوشی وجود دارد [۲۱].

پیشینه و تحولات

«در جهان توسعه یافته، دیدمان (پارادایم) برنامه ریزی شهری مدام در حال تغییر و ارتقا است. از دهه ۱۹۶۰ میلادی برنامه ریزی به این سمت گرایش پیدا کرد که یک فرآیند از پایین به بالا را طی کند. در دهه ۱۹۸۰ و با پدید آمدن دوران پسامدرن و تفکر پسااثبات باور و شکل گیری احترام و اعتقاد

جدول ۱: پیشینه ای از پژوهش های مرتبط با برنامه ریزی های تعاملی و ارتباطی

سال	عنوان	نویسنده	یافته ها
۱۳۸۳	برنامه ریزی ارتباطی، رویکردی انتقادی به نظریه برنامه ریزی (با تأکید بر برنامه ریزی توسعه روستایی)	افتخاری و بهزادنسب	ضعف رویکرد عقلانی گرایی به دلیل "تخصص محوری" و "خصوصیت غیر مشارکتی" و ضرورت اتخاذ رویکرد ارتباطی در فرایند برنامه ریزی توسعه روستایی
۱۳۹۰	نقش و کاربرد رویکرد برنامه ریزی ارتباطی در نظریه های نوین شهرسازی	رفیعیان و معروفی	توجه به مباحث اجتماعی و رویکرد ارتباطی از نیمه دوم قرن بیستم در نظریه های برنامه ریزی شهری و نقاط قوت و ضعف آن در حوزه نظر و عمل
۱۳۹۲	رهیافت همکارانه در برنامه ریزی شهری	علی آبادی و عسگری	فراگیری روش های ارتباطی و توجه به ارزش ها و احساسات توسط برنامه ریزان و برخورداری از دانش ارتباطی گروه های ذی نفع.
۱۳۹۲	برنامه ریزی ارتباطی، پارادایمی نوین در برنامه ریزی شهری- با تأکید بر مورد ایران	هاشم پور و همکاران	سیر تحول برنامه ریزی ارتباطی، بنیان های فلسفی، ویژگی های آن و چالش ها و وظایف برنامه ریزان در این راستا
۱۳۹۴	برنامه ریزی ارتباطی به عنوان رویکرد پیشنهادی برای برنامه ریزی شهری در مقیاس محلات در محله فرحزاد شهر تهران	شریف زادگان و شریفی	ماهیت ذاتی برنامه ریزی ارتباطی و امکان به کارگیری آن در کشورهای در حال توسعه در مقیاس خرد و به ویژه نواحی با مشکلات پیچیده
۱۳۹۴	تحلیل ضرورت به کارگیری برنامه ریزی محیطی همکارانه در منطقه شش شهرداری تهران به عنوان مورد پژوهی	هدایتی فرد	تبیین مشکلات در راستای به کارگیری برنامه ریزی همکارانه در سطح اجتماع محلی
۱۳۹۵	اولویت سنجی کاربست معیارهای نظریه برنامه ریزی غیراقلیدسی جان فریدمن در برنامه ریزی شهری ایران	فیروزی و همکاران	اولویت بیشتر رویکرد تعامل گرایانه در بین ۵ معیار اصلی نظریه غیر اقلیدسی جان فریدمن و وزن بیشتر رویکرد موقعیت مبنا و در تعامل با ساختار برنامه ریزی مشارکتی
۱۳۹۵	کنش جمعی؛ نقطه اتصال تفکر نهادگرا و نگرش برنامه ریزی ارتباطی	متوسلی و حاجی علی اکبری	تولید یادگیری پیوسته، سرمایه ذهنی، اجتماعی و سیاسی، عمل امکانپذیر، مشکل گشایی نوآورانه، درک مشترک از موضوعات و سایر بازیگران، ظرفیت همکاری متقابل، مهارت در گفتگو و اکتشافهای مشترک برای اقدام در فرایند برنامه ریزی ارتباطی
۱۳۹۶	تحلیل منفعت عمومی در نظریه برنامه ریزی ارتباطی	طرحانی و پرتوی	بررسی برنامه ریزی ارتباطی مرتبط با منفعت عمومی گاه در پرتو اخلاقیات و متوجه روحیه اجتماعی شدن و گاه جنبه تکنیکی و متوجه راهکارها و سیاستهای مداخله
۱۳۹۶	تحلیل الزامات نهادی جهت تحقق برنامه ریزی ارتباطی در تهران	مخبری و پرتوی	توجه به تعریف وظایف جدید برای برنامه ریز، فراهم آوردن الزامات داخلی نهادهای رسمی و غیررسمی و ایجاد همکاری بین کلیه نهادهای ذی ربط برنامه ریزی برای انطباق نظام برنامه ریزی تهران با برنامه ریزی ارتباطی
۱۳۹۶	بررسی نقش برنامه ریزی ارتباطی به مثابه رهیافتی نوین در ارتقاء کیفیت و توسعه شهری در ایران؛ نمونه موردی: محله سهرابیه کرج	نوری کارد و همکاران	توجه به برنامه ریزی ارتباطی نه لزوماً به عنوان یک امر از بالا و تحت اختیار نهادهای دولتی و قوانین، بلکه توجه به خواست و نیاز جامعه و در نظر گرفتن مشارکت به عنوان یک هدف
۱۳۹۷	رویکردهای دموکراتیک در برنامه ریزی شهری و ظهور نظریه مجادلهای (اگونیس)	کریم زاده و داود پور	شناخت و بستر سازی ظهور تئوری های نوین دموکراتیک و به ویژه تئوری اگونیس در ایران
۱۳۹۹	ارزیابی رابطه کنش ارتباطی و پایداری شهری (مطالعه موردی: شهر تهران)	رضا پور و همکاران	شاخصهای کنش ارتباطی در چهار گروه اصلی شامل حضور در فضای شهری، عقلانیت ارتباطی، نگرش انتقادی، و سرمایه اجتماعی و تاثیر تغییرات کنش ارتباطی در پایداری شهری و همه ابعاد آن
۱۴۰۰	تبیین مؤلفه های آموزش شهرسازی با تأکید بر ارتباط با اجتماع یادگیری حرفه ای فصلنامه برنامه ریزی توسعه شهری و منطقه ای	صابرمنش و همکاران	تبیین ۵ مقوله اصلی و تدوین مدل نهایی از آموزش شهرسازی با تأکید بر ارتباط با اجتماع یادگیری حرفه ای
۱۴۰۰	نظریه شهرسازی مشارکتی و شرایط تحقق آن در نظام برنامه ریزی شهری ایران	نصیری و همکاران	عدم تحقق شهرسازی مشارکتی صرفاً از طریق تغییرات قانونی و نهادی، بلکه بر مبنای کلیه مراحل برنامه ریزی مشارکتی (از جمله فرهنگ سازی و ارتقای آگاهی عمومی و...)
۱۴۰۱	واکاوی نارسایی های موجود برنامه ریزی محلی روستایی مبتنی بر نظریه برنامه ریزی ارتباطی در استان آذربایجان شرقی	پور محمدی و خالقی	بررسی نارسایی های موجود در برنامه ریزی محلی روستایی براساس نظریه برنامه ریزی ارتباطی و عوامل موثر بر بهبود آن

فرو دست وجود ندارد، بنابراین برنامه ریزی ارتباطی اذعان دارد که شناخت و کنش در عرصه برنامه ریزی و طراحی، باید به شیوه عقلانیت ارتباطی و تلاش بین الذهانی در فهم متقابل میان اعضای اجتماع صورت پذیرد و از اصول منطق و شناخت تجربی که به شکل علمی سازماندهی شده اند، پشتیبانی میکند» [۲].

در این بخش (جدول شماره ۲) مجموع شاخص های اشاره شده در فرآیند برنامه ریزی های تعاملی و ارتباطی براساس مرور منابع که برخی از آنها نیز در بخش های فوق تبیین شد؛ در جدول زیر نشان داده شده است. این مولفه ها برحسب اشتراکات مفهومی به تفکیک ابعاد دسته بندی شده اند. [۱]

۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۳، ۱۶، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹

مواد و روش ها

این پژوهش بر اساس هدف، بنیادی- شناختی و ازلحاظ ماهیت اکتشافی است. همچنین به لحاظ نوع کاربردی است چراکه نتایج حاصل از آن میتواند در راستای افزایش تعامل شهروندان و تصمیم گیران در فرآیندهای شهرسازی به کار گرفته شود. روش مورد استفاده کمی-کیفی است. در ابتدا برای تدوین شاخص ها به مرور منابع پرداخته شده است. در وهله اول به صورت توصیفی و تحلیلی با استفاده از اسناد و منابع مکتوب به تحلیل روند برنامه ریزی تعاملی و شاخص های موثر بر آن پرداخته شده است. پس از استخراج شاخص ها، به منظور شناسایی عوامل موثر بر برنامه ریزی های تعاملی و ارتباطی از دیدگاه حرفه مندان رشته شهرسازی، تعداد ۱۷۵ پرسشنامه از بین حرفه مندان رشته شهرسازی که در این حیطه مشغول به فعالیت هستند، تکمیل شده است. جامعه آماری این تحقیق شهرسازی است که مشغول به کار حرفه ای هستند. با توجه به اینکه حجم دقیق جامعه آماری در دسترس نیست، تعداد پرسشنامه های تکمیل شده با توجه به دو موضوع شامل ۱-نسبت تعداد سوالات و تعداد پرسشنامه های تکمیل شده براساس روش تحلیل عاملی و ۲-نمونه گیری برای حجم جامعه نامعین به دست آمده است.

شاخص های موثر بر تعاملی شدن فرآیند برنامه ریزی

«با ورود گرایش های انسانگرایی به نظریه های برنامه ریزی شهری، منتقدان، تعامل و اندرکنش دوطرفه را به عنوان گزینه ای در پیشروی شهرسازان ارائه میکنند. اعلام اهمیت تلاش برای ایجاد اجماع و توافق در برنامه ریزی عمومی و نقد به طرحهای جامع شهری متفاوت، به دلیل عدم توجه به خواسته های متفاوت ناشی از قرارگیری افراد و گروهها در مختصات در ماتریس اجتماعی (Friedmann, 1971) در نهایت منجر به بروز چرخشی شگرف در نظریات برنامه ریزی شد. این جریان با تأکید بر بهبود رویه های برنامه ریزی در راستای نیل به یک ساختار یادگیری متقابل در روند فعالیتهای و تعاملات دو طرفه نهادهای عمومی و مردم، وظیفه عمومی شهرساز را ایجاد فضایی تسهیل شده برای افراد و گروههای ذیمدخل در نظر میگیرند و خواست عمومی در این فرآیند، در قالب اجماع حاصل از این گفتگوها و مناظرات در نظر گرفته می شود» [۳۴]. «در چارچوب نظریه کنش ارتباطی، نقطه آرمانی ارتباط خوب، مذاکره است. مذاکره میتواند امکان دادوستد دانش و دستیابی به ادراک متقابل را ممکن سازد. مذاکره باید از ماهیت دوسویه برخوردار باشد و نباید به تحریف در نظرها و خواسته های طرفین مذاکره منجر گردد» [۲۵]. «برپایه این نظریه، مشارکت، گفتمان و آموزش دو جانبه- به عنوان فرآیند مبادله ای میان مردم و متخصصین- مهم ترین ارکان برنامه ریزی شناخته میشوند. برنامه ریزی تعاملی همچنین به تکامل نهادهای برنامه ریزی غیرمتمرکز اشاره دارد که به مردم کمک می کند تا کنترل فزاینده ای بر فرآیندهای اجتماعی حاکم بر رفاه آنها داشته باشند» [۲۰، ۳۵]. «پیوند بین دانش، مهارتها، تجارب و زبان برنامه ریز و مردم بر طبق نظریه فریدمن، توسط برنامه ریزی مبادله ای و دوجانبه عملی می گردد. اساس این نوع برنامه ریزی بر گفتگو و یادگیری متقابل قرار دارد و در نتیجه آن، علم انسانی می شود، یعنی در روند یادگیری اجتماعی و به وسیله برنامه ریزی متقابل، دانش هر دو طرف به یکدیگر نزدیک می گردد» [۱]. «در قالب این رهیافتهای، نوعی زیست جهان ترسیم میشود که در آن همه امور با گفتمان میان ذیمدخلان امر پیش میرود. مردم و مسئولان پیرامون هر مشکلی به مذاکره میپردازند و در نتیجه نیازی به تأکید بر نقش قدرت و اختلاف فرادست و

جدول ۲: شاخص های برنامه ریزی های تعاملی در رشته شهرسازی

بعد	مولفه ها / شاخص ها	منابع پشتیبان
نظارت (قدرت شهروندی)	کنترل شهروندان (کارکنان) و نظارت آنها بر طرح ها و فرآیندها	منصوری، ۱۳۹۷: ۱۵۲؛ هاشم پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ علی آبادی و عسگری، ۱۳۹۲؛ ولدبیگی و حبیبیان، ۱۳۹۴: ۳۲؛ حبیبی و رضوانی، ۱۳۸۴: ۲۰ Hudson et al., 1979
	حق اعتراض به طرح	حبیبی و رضوانی، ۱۳۸۴: ۲۰
سهم شهروندی	همکاری مستمر، تعامل و مشارکت شهروندان	منصوری، ۱۳۹۷: ۱۵۲؛ شریف زادگان و شفیعی، ۱۳۹۴؛ هاشم پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ زرگری مرندی و سلطانی، ۱۳۹۶؛ طرهانی و پرتوی، ۱۳۹۶؛ تایلور، ۱۳۹۴؛ رفیعیان، جهانزاد، ۱۳۹۴؛ ولدبیگی و حبیبیان، ۱۳۹۴: ۳۰؛ فریدمن، ۲۰۱۱؛ کد، ۱۳۹۳؛ حق بیان، ۱۳۹۷؛ Gagliardi., 2017, Flacke et al., 2020, Bolton, 2005, Margerum, 2012, Tewdwr-Jones & Thomas, 1998, Hanberger, 2006, Irazabal, 2009, Healey, 2003, Sager, 2002, Schroeter., 2012, Yetano et al., 2010: 790, Healey, 1997,
	مذاکره و گفتگو مداوم	متوسلی و حاج علی اکبری، ۱۳۹۵؛ هدایتی فرد، ۱۳۹۴؛ شریف زادگان و شفیعی، ۱۳۹۴؛ مخبری، ۱۳۹۵؛ اجلالی و همکاران، ۱۳۹۶ Forester, 2013, Brownill, 2009:366
	مذاکرات بین تصمیم گیرندگان و محققین (شهروندان)	Abelson et al., 2007: 2118
	بهره گیری از دانش و تجربه شهروندان	Yetano et al., 2010: 790
	توانمندسازی شهروندان	Brownill, 2009:359
	به کار گیری استعداد و خلاقیت مردمی	صیاد و رضوانی، ۱۳۹۹: ۲
	دخالت دادن شهروندان در فرآیند تصمیم گیری	خادم الحسینی و عارفی پور، ۱۳۹۱: ۱۰۹
	احساس مسئولیت داشتن شهروندان	خادم الحسینی و عارفی پور، ۱۳۹۱: ۱۰۹
تسهیل زمینه	فراهم شدن امکانات و شرایط لازم برای مشارکت	نصیری و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۰۶؛ خادم الحسینی و عارفی پور، ۱۳۹۱: ۱۱۳
	تشویق شهروندان برای مشارکت آگاهانه تر	Ebdon & Franklin, 2006: 444-445
	جلسات و کارگروه مشترک مردم و مسئولین	خادم الحسینی و عارفی پور، ۱۳۹۱: ۱۱۷ Brownill, 2009:366, Abelson et al., 2007: 2121, Ran, 2012: 419
	ایجاد تشکل های مردمی	خادم الحسینی و عارفی پور، ۱۳۹۱: ۱۱۹

استفاده از رسانه های گروهی	خادم الحسینی و عارفی پور، ۱۳۹۱: ۱۱۷	
قابل فهم، درونی و خودمانی بودن	طرهانی و پرتوی، ۱۳۹۶؛ رضاپور و همکاران، ۱۳۹۹؛ شریف زادگان و شفیع، ۱۳۹۴؛ پارس، ۱۳۹۵؛ متوسلی و حاجی علی اکبری، ۱۳۹۵	
شکل گیری گفتمان	هاشم پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ زرگری مرندی و سلطانی، ۱۳۹۶؛ شریف زادگان و شفیع، ۱۳۹۴؛ طرهانی و پرتوی، ۱۳۹۶؛ کریم زاده و داود پور، ۱۳۹۷ Sager, 2002, Hanberger, 2006, Campbell & Marshall, 2002, Hudson et al., 1979, Margerum, 2012	
نظر خواهی و نظرسنجی از شهروندان	حبیبی و رضوانی، ۱۳۸۴: ۲۰؛ خادم الحسینی و عارفی پور، ۱۳۹۱: ۱۱۷ و ۱۲۲ Brownill, 2009:366, Abelson et al., 2007: 2121, Ran, 2012: 417	گفتمان مداری
استفاده از نظرات شهروندان و پذیرش آنها	خادم الحسینی و عارفی پور، ۱۳۹۱: ۱۰۸ Abelson et al., 2007: 2115, Rowe et al., 2004: 93	
احترام به نظرات و ایده شهروندان	خادم الحسینی و عارفی پور، ۱۳۹۱: ۱۲۱	
ارزیابی	خادم الحسینی و عارفی پور، ۱۳۹۱: ۱۱۷	
بهره گیری از تجارب مشارکت	دانشپور و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۶	درس آموزی
داشتن آزادی عمل و بیان	Bonafede & Lo Piccolo, 2010: 356, 365	
همکاری افراد با تخصص های مختلف	صیاد و رضوانی، ۱۳۹۹: ۹	
تلفیق و درک متقابل خرده فرهنگ ها	ولدبیگی و حبیبیان، ۱۳۹۴: ۳۱	
احترام به تفاوتها	شریف زادگان و شفیع، ۱۳۹۴؛ زرگری مرندی و سلطانی، ۱۳۹۶؛ یزدانیان، کشت کار، ۱۳۹۵	
روابط متکثر	شریف زادگان و شفیع، ۱۳۹۴ Flacke et al., 2020	تکثرگرایی
عدم قطعیت	علی آبادی و عسگری، ۱۳۹۲ Brand & Gaffikin, 2007	
به اشتراک گذاری نگرانی ها	Ran, 2012: 415	
استفاده از فرآیندهای دموکراسی محور	شریف زادگان و شفیع، ۱۳۹۴؛ هاشم پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ کریم زاده و داود پور، ۱۳۹۷؛ افتخاری و بهزادنسب، ۱۳۸۳؛ طرهانی و پرتوی، ۱۳۹۶؛ رفیعیان، جهانزاد، ۱۳۹۴ Hanberger, 2006	
فعالیت های داوطلبانه	نصیری و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۰۳	خودانگیختگی

آگاهی طلبی دانش محوری	آگاهی افراد مشارکت کننده از تمامی جوانب کار	صیاد و رضوانی، ۱۳۹۹: ۱۰
	اطلاع رسانی و مطلع سازی شهروندان	خادم الحسینی و عارفی پور، ۱۳۹۱: ۱۰۸ و ۱۱۷ Ran, 2012: 407, Conrad et al., 2011: 777, Yetano et al., 2010: 790
	آموزش و یادگیری دو جانبه	هاشم پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ رفیعیان، جهانزاد، ۱۳۹۴؛ محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۷۸ Hudson et al., 1979, Gagliardi et al., 2017, Flacke et al., 2020
زمینه نهادی	داشتن چارچوب شفافیت	Conrad et al., 2011: 779, Rowe et al., 2004: 93
	وضعیت نهادی و قانونی در زمینه مشارکت	خادم الحسینی و عارفی پور، ۱۳۹۱: ۱۱۳ Conrad et al., 2011: 779
	سلسله مراتب اداری و انعطاف دستگاه های اداری	Yang & Pandey, 2011: 880
	فرآیندهای از پایین به بالا (عدم نخبه گرایی مرکزی)	شریف زادگان و شفیعی، ۱۳۹۴؛ علی آبادی و عسگری، ۱۳۹۲؛ مخبری، ۱۳۹۵؛ اجلالی و همکاران، ۱۳۹۶؛ تایلور، ۱۳۹۴؛ رفیعیان، جهانزاد، ۱۳۹۴ Gagliardi et al., 2017
	منابع سازمانی کافی	Abelson et al., 2007: 2115
	الزامات قانونی و وجود قوانین و مقررات در حوزه مشارکت و تعامل	Conrad et al., 2011: 761
شمول و فراگیری	نقش داشتن تمام افراد مشارکت کننده	صیاد و رضوانی، ۱۳۹۹: ۹ Yetano et al., 2010: 790, Brownill, 2009: 366, Margerum, 2012: 417
	شنیده شدن صدای جامعه و مشارکت گروه های حذف شده	Brownill, 2009: 366
	شناسایی تمام افراد دخیل در طرح	صیاد و رضوانی، ۱۳۹۹: ۱۲ Ran, 2012: 409
	توزیع قدرت و تمرکز زدایی	ولدبیگی و حبیبیان، ۱۳۹۴: ۳۰؛ متوسلی و حاج علی اکبری، ۱۳۹۵؛ هاشم پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ شریف زادگان و شفیعی، ۱۳۹۴؛ علی آبادی و عسگری، ۱۳۹۲؛ پارسل، ۱۳۹۵ Yang & Pandey, 2011: 883, Cowell and Owens, 2006
	فرصت های برابر	Yang & Pandey, 2011: 883, Rowe et al., 2004: 93
	توجه به منافع همه گروه های اجتماعی	ولدبیگی و حبیبیان، ۱۳۹۴: ۳۲
	دستیابی همگان به اطلاعات اجتماعی	ولدبیگی و حبیبیان، ۱۳۹۴: ۳۲ Conrad et al., 2011: 777, Rowe et al., 2004: 93

Brownill, 2009:368	مشارکت دادن گروه های اقلیت و خاص	
صیاد و رضوانی، ۱۳۹۹: ۱۳؛ ولدبیگی و حبیبیان، ۱۳۹۴: ۳۲ Conrad et al., 2011: 777, Ebdon & Franklin, 2006: 438	ایجاد اطمینان و اعتماد متقابل شهروندی	سرمایه اجتماعی
خادم الحسینی و عارفی پور، ۱۳۹۱: ۱۲۲	جلب اعتماد از طریق به فعلیت رساندن نظر آنها	
صیاد و رضوانی، ۱۳۹۹: ۱۳؛ نصیری و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۰۵؛ خادم الحسینی و عارفی پور، ۱۳۹۱: ۱۰۸ Yetano et al., 2010: 790,	توجه به نیازها و خواسته های شهروندان	
متوسلی و حاج علی اکبری، ۱۳۹۵؛ هدایتی فرد، ۱۳۹۴؛ پارسل، ۱۳۹۵؛ داداشپور و همکاران، ۱۳۹۷ Healey, 2003	ادراک متقابل	
هدایتی فرد، ۱۳۹۴ Flacke et al., 2020	توجه به زمینه	
محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۷۸؛ متوسلی و حاج علی اکبری، ۱۳۹۵؛ پارسل، ۱۳۹۵؛ داداشپور و همکاران، ۱۳۹۷	ملاحظات انسانی و ارزشی	
متوسلی و حاج علی اکبری، ۱۳۹۵؛ یزدانیان، کشت کار، ۱۳۹۵ شریف زادگان و شفیع، ۱۳۹۴؛ هدایتی فرد، ۱۳۹۴	سازش جمعی بین منافع هم رایی و مصالحه	وفاق
متوسلی و حاج علی اکبری، ۱۳۹۵؛ رضاپور و همکاران، ۱۳۹۹؛ هاشم پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ زرگری مرندی و سلطانی، ۱۳۹۶ Campbell & Marshall, 2002, Flacke et al., 2020	توافق عمومی	
رضاپور و همکاران، ۱۳۹۹؛ هدایتی فرد، ۱۳۹۴؛ زرگری مرندی و سلطانی، ۱۳۹۶؛ شریف زادگان و شفیع، ۱۳۹۴؛ علی آبادی و عسگری، ۱۳۹۲؛ کریم زاده و داود پور، ۱۳۹۷؛ مخبری، ۱۳۹۵ Tewdwr-Jones & Thomas, 1998, Bolton, 2005, Irazabal, 2009, Sager, 2002, Flacke et al., 2020	اجماع	
متوسلی و حاج علی اکبری، ۱۳۹۵؛ طرهانی و پرتوی، ۱۳۹۶؛ رضاپور و همکاران، ۱۳۹۹؛ مخبری، ۱۳۹۵ Bolton, 2005, Tewdwr-Jones & Thomas, 1998, Flacke et al., 2020	تفاهم	

$$\delta = \frac{\max(x_i) - \min(x_i)}{6} = \frac{5-1}{6} = 0.667$$

بنابراین مطابق با فرمول زیر که مرتبط با تعیین حجم نمونه از جامعه آماری نامعین است، حجم نمونه مورد بررسی محاسبه گردیده است.

$$n = \frac{z^2 S^2}{d^2}$$

برای تعیین حجم نمونه از حجم جامعه نامعین و واریانس نامعلوم، چون پرسشنامه با طیف لیکرت ۵ درجه استفاده شده است، بزرگ ترین مقدار ۵ و کوچک ترین مقدار ۱ خواهد بود بنابراین برای انحراف معیار آن می توان از مقدار ۰.۶۶ استفاده کرد. این مقدار بیشینه انحراف معیار است. همچنین سطح اطمینان ۹۵٪ و دقت برآورد ۰.۰۱ در نظر گرفته شده است. انحراف معیار از رابطه زیر بدست می آید.

بخش کیفی این پژوهش شامل مطالعه منابع کتابخانه ای و استخراج شاخص های موثر بر برنامه ریزی های تعاملی و بخش کمی آن مرتبط با به کارگیری روش تحلیل عاملی بوده است.

یافته ها

با توجه به شاخصهای استخراج شده از مبانی و داده های جمع آوری شده ۱۷۵ پرسشنامه، ماتریس اولیه اطلاعات تشکیل شده است و طیف گزینه های خیلی کم تا خیلی زیاد تبدیل به طیف اعداد ۱ تا ۵ شدند تا تحلیل بر روی آنها صورت گیرد. در مرحله بعدی مقادیر اشتراکات مربوط به هر متغیر مورد بررسی قرار گرفته است (جدول شماره ۳).

با توجه به این موضوع حجم نمونه مورد بررسی از جامعه شهرسازی که در این حیطه مشغول به کار هستند، محاسبه گردیده که طبق فرمول بالا، حجم نمونه از جامعه آماری نامعین با در نظر گرفتن انحراف معیار ۰.۶۶۷ که حاصل طیف لیکرت است، با سطح اطمینان ۹۵ درصد (Z معادل ۱.۹۶) و میزان دقت ۰.۱ درصد حجم نمونه معادل ۱۷۰ نفر است که در این پژوهش به جهت اطمینان از صحت داده ها این میزان تا سقف ۱۷۵ نفر در این پژوهش افزایش یافته است. پس از استخراج داده ها، به منظور سنجش میزان پایایی داده ها، آلفای کربنباخ آنها اندازه گیری شده است. همچنین نتایج پژوهش با استفاده از روش تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گرفته است و عامل های مربوطه استخراج شده است. در واقع

جدول ۳: اشتراکات مرتبط با شاخص های برنامه ریزی تعاملی

Extraction	شاخص	شماره	Extraction	شاخص	شماره
۰.۵۰۳	وجود محرک های قانونی پشتیبان مشارکت و تعامل شهروندان	۱۵	۰.۵۴۳	کنترل و نظارت شهروندان	۱
۰.۶۶۵	به کار گیری فرآیندهای از پایین به بالا	۱۶	۰.۵۷۱	حق اعتراض شهروندان	۲
۰.۶۰۹	وجود منابع سازمانی کافی	۱۷	۰.۶۲۵	همکاری و تعامل شهروندان با متخصصین	۳
۰.۶۰۹	قش داشتن و شنیده شدن صدای تمام افراد دخیل در طرح ها و برنامه های توسعه شهری	۱۸	۰.۷۳۸	مذاکرات بین شهروندان و تصمیم گیران و یا برگزاری گفتمانها، جلسات و کارگروه مشترک مردم و مسئولین	۴
۰.۵۱۶	توزیع قدرت و ایجاد فرصتهای برابر	۱۹	۰.۵۷۹	بهره گیری از دانش، تجربه و استعداد و خلاقیت شهروندان	۵
۰.۶۰۰	توجه به منافع همه گروه های اجتماعی	۲۰	۰.۶۶۰	احساس مسئولیت شهروندان	۶
۰.۵۷۰	مشارکت دادن گروه های اقلیت و خاص	۲۱	۰.۶۳۹	استفاده از رسانه های گروهی	۷
۰.۴۸۴	جلب اطمینان و اعتماد متقابل شهروندی	۲۲	۰.۵۶۹	نظرخواهی و نظرسنجی از شهروندان و بهره گیری از آنها در فرآیندهای مرتبط با امور شهری	۸
۰.۵۴۰	توجه به نیازها، خواسته و نگرانی های شهروندان	۲۳	۰.۵۴۲	ارائه گزارش نهایی توسط حرفه مندان در خصوص فعالیتهای انجام شده	۹
۰.۵۶۹	وجود ادراک متقابل بین افراد	۲۴	۰.۵۲۷	داشتن آزادی عمل و بیان در بهبود رویه های شهری	۱۰
۰.۶۱۸	توجه به زمینه و بستر	۲۵	۰.۶۱۹	همکاری افراد با تخصص های مختلف و روابط متکثر	۱۱
۰.۶۵۶	توجه به ملاحظات انسانی و ارزشی	۲۶	۰.۶۶۴	فعالتهای دموکراسی محور و داوطلبانه	۱۲
۰.۵۸۵	شکل گیری سازش جمعی بین منافع و هم رای و مصالحه	۲۷	۰.۵۹۱	اطلاع رسانی و آگاهی دهی به افراد مشارکت کننده و دستیابی آنها به اطلاعات اجتماعی	۱۳
۰.۴۸۶	رسیدن به اجماع و تفاهم بین ذی نفعان	۲۸	۰.۵۴۰	وجود چارچوبهای شفاف برای مخاطبان در تصمیم گیری	۱۴

دستیابی آنها به اطلاعات اجتماعی، مشارکت دادن گروه های اقلیت و خاص، جلب اطمینان و اعتماد متقابل شهروندی، توجه به نیازها، خواسته و نگرانی های شهروندان، وجود ادراک متقابل بین افراد، توجه به زمینه و بستر، توجه به ملاحظات انسانی و ارزشی، شکل گیری سازش جمعی بین منافع و هم رای و مصالحه، رسیدن به اجماع و تفاهم بین ذی نفعان زیرمجموعه عامل اول؛ شاخص های کنترل و نظارت شهروندان، حق اعتراض شهروندان، همکاری و تعامل شهروندان با متخصصین، مذاکرات بین شهروندان و تصمیم گیران و یا برگزاری گفتمانها، جلسات و کارگروه مشترک مردم و مسئولین، بهره گیری از دانش، تجربه و استعداد و خلاقیت شهروندان، نظرخواهی و نظرسنجی از شهروندان و بهره گیری از آنها در فرآیندهای مرتبط با امور شهری زیر مجموعه عامل دوم؛ شاخص های ارائه گزارش نهایی توسط حرفه مندان در خصوص فعالیتهای انجام شده، داشتن آزادی عمل و بیان در بهبود رویه های شهری، وجود چارچوبهای شفاف برای مخاطبان در تصمیم گیری، نقش داشتن و شنیده شدن صدای تمام افراد دخیل در طرح ها و برنامه های توسعه شهری، توزیع قدرت و ایجاد فرصتهای برابر، توجه به منافع همه گروه های اجتماعی، زیر مجموعه عامل سوم؛ شاخص های وجود محرک های قانونی پشتیبان مشارکت و تعامل شهروندان، به کار گیری فرآیندهای از پایین به بالا، وجود منابع سازمانی کافی زیر مجموعه عامل چهارم؛ شاخص های همکاری افراد با تخصص های مختلف و روابط متکثر، فعالیتهای دموکراسی محور و داوطلبانه زیرمجموعه عامل پنجم و در نهایت شاخص های احساس مسئولیت شهروندان، استفاده از رسانه های گروهی، زیرمجموعه عامل ششم قرار گرفته اند. برای نام گذاری آنها نیز، با توجه به ماهیت شاخص هایی که زیر مجموعه هر عامل قرار گرفته اند، نام گذاری عوامل صورت گرفته است. (جدول شماره ۶)

در جدول زیر این عوامل و شاخص های آنها نشان داده شده است. با توجه به ماهیت شاخص هایی که زیرمجموعه هر عامل قرار گرفته اند، نام گذاری عوامل صورت گرفته است. شهروندان، حق اعتراض شهروندان، همکاری و تعامل شهروندان با متخصصین، مذاکرات بین شهروندان و تصمیم گیران و یا برگزاری گفتمانها، جلسات و کارگروه مشترک مردم

جدول مربوط نشان می دهد که میزان اشتراکات واریانس مشترک یک متغیر با سایر متغیرهای به کار گرفته شده در تحلیل چقدر است. هر چقدر میزان آن در هر شاخص بالاتر باشد، آن شاخص دارای ارتباط بیشتری با سایر شاخصها است. در این مرحله و در راستای شناسایی شاخصهایی که بیشترین ارتباط با موضوع را داشته باشد، شاخصهایی که مقادیر عددی آنها کمتر از ۰.۴ باشد را از فرایند محاسبات حذف نموده تا مقدار KMO افزایش یافته و قدرت تبیین کنندگی مدل بیشتر گردد. که در این پژوهش دو شاخص دارای مقدار اشتراک کمتر از ۰.۴ وجود داشته است که مرتبط با شاخص قابل فهم، درونی و خودمانی بودن طرح ها و برنامه های شهری برای شهروندان و همچنین استفاده از تجارب قبلی مشارکت در فرآیندهای شهری بوده است که از لیست شاخص ها حذف شده اند تا مقدار اشتراکات بالاتر رفته و مقدار KMO نیز به حد مطلوب برسد. سپس مقادیر کایزر مییراولکین، آزمون کرویت بارتل و ماتریس همبستگی برای شاخص ها محاسبه شده است که میزان kmo آن ۰.۹ بوده و بالاتر از ۰.۷ است که نشان می دهد داده ها برای تحلیل مناسب هستند. و سطح معناداری نیز در این پژوهش ۰.۰۰۰ است که کوچکتر از ۰.۰۰۵ است و بنابراین در سطح معناداری مطلوبی قرار دارد. (جدول شماره ۴)

بعد از اطمینان از مناسب بودن داده ها برای تحلیل، ماتریس محاسبات مقدماتی و همچنین دوران یافته که بعد از ۱۰ چرخش واریماکس به دست آمده است. عوامل نهایی مشخص شد. لازم به ذکر است. «در ارتباط با تعداد عوامل باید ۱ - مقادیر ویژه مربوط به تمامی عوامل باید بالاتر از ۱ باشد» [۷۰] در این پژوهش در مجموع تعداد ۶ عامل استخراج شده است که واریانس جمعی آنها بالاتر از ۵۸.۶۳ درصد است. (جدول ۵ و شکل ۳)

با توجه به موارد گفته شده و عوامل استخراج شده، در نهایت شاخص ها زیرمجموعه عاملی که دارای بیشتری بارعاملی با آن بوده اند قرار گرفته. در واقع ماتریس عاملی چرخش یافته نهایی بعد از ۱۰ تکرار دوران واریماکس نشان داد که شاخص های اطلاع رسانی و آگاهی دهی به افراد مشارکت کننده و

محرك های قانونی پشتیبان مشاركت و تعامل شهروندان، به كار گیری فرآیندهای از پایین به بالا، وجود منابع سازمانی کافی زیر مجموعه عامل چهارم؛ شاخص های همکاری افراد با تخصص های مختلف و روابط متكثر، فعالیتهای دموکراسی محور و داوطلبانه زیرمجموعه عامل پنجم و در نهایت شاخص های احساس مسئولیت شهروندان، استفاده از رسانه های گروهی زیرمجموعه عامل ششم قرار گرفته اند. برای نام گذاری آنها نیز، با توجه به ماهیت شاخص هایی که زیر مجموعه هر عامل قرار گرفته اند، نام گذاری عوامل صورت گرفته است. (جدول ۷)

و مسئولین، بهره گیری از دانش، تجربه و استعداد و خلاقیت شهروندان، نظرخواهی و نظرسنجی از شهروندان و بهره گیری از آنها در فرآیندهای مرتبط با امور شهری زیر مجموعه عامل دوم؛ شاخص های ارائه گزارش نهایی توسط حرفه مندان در خصوص فعالیتهای انجام شده، داشتن آزادی عمل و بیان در بهبود رویه های شهری، وجود چارچوبهای شفاف برای مخاطبان در تصمیم گیری، نقش داشتن و شنیده شدن صدای تمام افراد دخیل در طرح ها و برنامه های توسعه شهری، توزیع قدرت و ایجاد فرصتهای برابر، توجه به منافع همه گروه های اجتماعی زیر مجموعه عامل سوم؛ شاخص های وجود

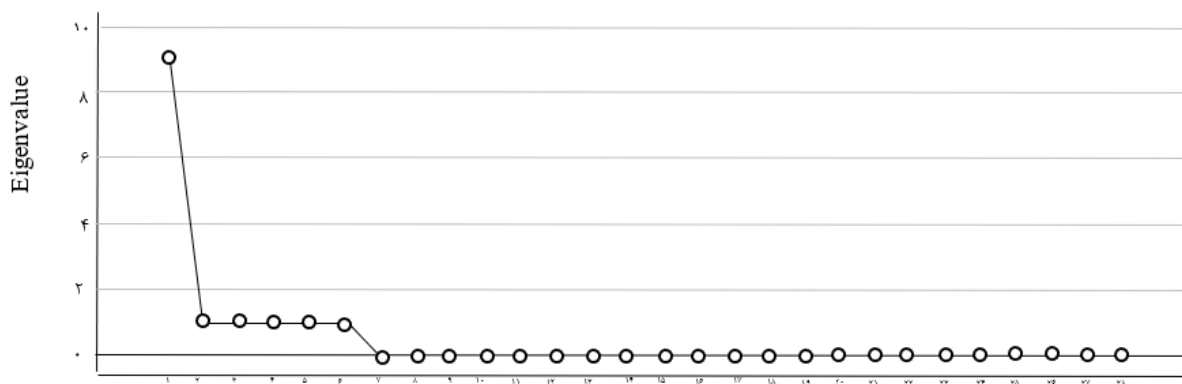
جدول ۴: مقادیر کایزر مییر اولکین و بارتلت شاخص های برنامه ریزی تعاملی

بارتلت و اولکین مییر کایزر مقادیر		
اولکین مییر کایزر نمونه گیری کفایت مقادیر		۰.۹۰۰
بارتلت کروییت آزمون	اسکوئر کای	۲۰۳۲.۱۴۱
	آزادی درجه	۳۷۸
	معناداری سطح	۰.۰۰۰

جدول ۵: مجموع واریانس تبیین شده عوامل مؤثر بر برنامه ریزی های تعاملی از دیدگاه حرفه مندان رشته شهرسازی

مجموع واریانس تبیین شده									
عوامل	آغازین خاص مقادیر			استخراجی بارهای مجذور مجموع			یافته چرخش بارهای مجذور مجموع نهایی		
	کل	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی	کل	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی	کل	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۹.۶۷۰	۳۴.۵۳۵	۳۴.۵۳۵	۹.۶۷۰	۳۴.۵۳۵	۳۴.۵۳۵	۴.۲۵۶	۱۵.۲۰۲	۱۵.۲۰۲
۲	۱.۶۸۱	۶.۰۰۵	۴۰.۵۳۹	۱.۶۸۱	۶.۰۰۵	۴۰.۵۳۹	۳.۰۷۴	۱۰.۹۷۷	۲۶.۱۷۹
۳	۱.۳۹۲	۴.۹۷۰	۴۵.۵۱۰	۱.۳۹۲	۴.۹۷۰	۴۵.۵۱۰	۲.۶۷۴	۹.۵۴۸	۳۵.۷۲۷
۴	۱.۳۱۸	۴.۷۰۸	۵۰.۲۱۷	۱.۳۱۸	۴.۷۰۸	۵۰.۲۱۷	۲.۶۲۲	۹.۳۶۵	۴۵.۰۹۲
۵	۱.۲۱۲	۴.۳۲۸	۵۴.۵۴۶	۱.۲۱۲	۴.۳۲۸	۵۴.۵۴۶	۱.۹۰۲	۶.۷۹۲	۵۱.۸۸۴
۶	۱.۱۴۴	۴.۰۸۴	۵۸.۶۳۰	۱.۱۴۴	۴.۰۸۴	۵۸.۶۳۰	۱.۸۸۹	۶.۷۴۶	۵۸.۶۳۰

Scree plot



تعداد اجزا Component Number

جدول ۶: ماتریس عاملی چرخش یافته نهایی بعد از ۱۰ تکرار دوران واریماکس

شاخصها	عوامل					
	۱	۲	۳	۴	۵	۶
کنترل و نظارت شهروندان	-۰.۰۰۶	۰.۴۷۶	۰.۱۱۳	۰.۰۷	۰.۴۵۵	۰.۳۰۲
حق اعتراض شهروندان	۰.۱۹۳	۰.۶۷۶	۰.۰۸۸	۰.۱۴۲	۰.۱۹۶	۰.۱۰۱
همکاری و تعامل شهروندان با متخصصین	۰.۱۱۰	۰.۶۳۴	۰.۰۰۳	۰.۴۵۰	-۰.۰۲۷	۰.۰۹۴
مذاکرات بین شهروندان و تصمیم گیران و یا برگزاری گفتمانها، جلسات و کارگروه مشترک مردم و مسئولین	۰.۱۸۰	۰.۷۳۱	۰.۳۰۱	۰.۰۰۳	-۰.۰۸۲	۰.۲۷۱
بهره گیری از دانش، تجربه و استعداد و خلاقیت شهروندان	۰.۲۸۰	۰.۴۹۰	۰.۰۸۴	۰.۴۷۰	۰.۱۴۱	۰.۱۱۱
احساس مسئولیت شهروندان	۰.۱۰۳	۰.۲۹۴	۰.۰۰۱	۰.۰۹۴	۰.۲۰۴	۰.۷۱۵
استفاده از رسانه های گروهی	۰.۱۳۰	۰.۱۰۸	۰.۱۹۴	۰.۱۲۹	۰.۰۶۲	۰.۷۴۳
نظرخواهی و نظرسنجی از شهروندان و بهره گیری از آنها در فرآیندهای مرتبط با امور شهری	۰.۳۴۵	۰.۴۲۷	۰.۲۳۴	۰.۴۲۵	-۰.۰۲۴	۰.۱۷۸
ارائه گزارش نهایی توسط حرفه مندان در خصوص فعالیتهای انجام شده	۰.۱۷۵	-۰.۰۱۴	۰.۶۷۲	۰.۰۹۲	۰.۰۱۸	۰.۲۲۷
داشتن آزادی عمل و بیان در بهبود رویه های شهری	۰.۲۰۱	۰.۱۴۷	۰.۴۹۸	۰.۰۹۷	۰.۴۴۲	۰.۱۱۱
همکاری افراد با تخصص های مختلف و روابط متکثر	۰.۱۱۰	-۰.۰۵۱	۰.۰۰۳	۰.۰۴۹	۰.۷۶۰	۰.۱۵۶
فعالیتهای دموکراسی محور و داوطلبانه	۰.۱۸۱	۰.۲۹۳	۰.۲۴۸	۰.۴۸۲	۰.۵۰۱	-۰.۰۲۹

اطلاع رسانی و آگاهی دهی به افراد مشارکت کننده و دستیابی آنها به اطلاعات اجتماعی	۰.۴۷۵	۰.۳۲۱	۰.۱۹۶	۰.۲۹۳	۰.۳۵۰	۰.۱۲۸
وجود چارچوبهای شفاف برای مخاطبان در تصمیم گیری	۰.۲۸۸	۰.۲۸۲	۰.۳۶۱	۰.۳۵۶	۰.۳۴۶	۰.۰۱۳
وجود محرک های قانونی پشتیبان مشارکت و تعامل شهروندان	۰.۳۹۵	۰.۰۲۲	۰.۳۳۹	۰.۴۳۷	۰.۱۶۷	۰.۱۱۰
به کار گیری فرآیندهای از پایین به بالا	۰.۱۲۳	۰.۱۱۷	۰.۰۶۲	۰.۷۷۳	۰.۱۷۰	۰.۰۸۳
وجود منابع سازمانی کافی	۰.۲۰۶	۰.۰۹۸	۰.۴۴۱	۰.۵۶۳	-۰.۰۸۸	۰.۱۹۶
نقش داشتن و شنیده شدن صدای تمام افراد دخیل در طرح ها و برنامه های توسعه شهری	۰.۱۲۱	۰.۲۵۲	۰.۶۹۷	۰.۱۹۶	۰.۰۰۲	۰.۰۸۷
توزیع قدرت و ایجاد فرصتهای برابر	۰.۲۱۵	۰.۱۹۱	۰.۵۱۳	۰.۱۸۰	۰.۳۶۵	-۰.۰۶۵
توجه به منافع همه گروه های اجتماعی	۰.۳۹۶	۰.۴۰۸	۰.۴۳۸	-۰.۱۷۲	۰.۲۲۳	-۰.۰۷۲
مشارکت دادن گروه های اقلیت و خاص	۰.۵۴۱	۰.۴۰۲	۰.۲۹۶	۰.۰۸۵	۰.۰۸۳	-۰.۱۱۸
جلب اطمینان و اعتماد متقابل شهروندی	۰.۶۰۰	۰.۲۲۰	-۰.۰۰۴	۰.۰۵۹	۰.۱۵۶	۰.۲۲۰
توجه به نیازها، خواسته و نگرانی های شهروندان	۰.۶۰۱	۰.۱۶۹	۰.۰۹۲	-۰.۰۳۲	۰.۱۶۰	۰.۳۳۸
وجود ادراک متقابل بین افراد	۰.۵۱۸	-۰.۰۲۴	۰.۲۴۰	۰.۱۴۵	۰.۰۴۲	۰.۴۶۸
توجه به زمینه و بستر	۰.۷۴۰	-۰.۵۷	۰.۲۲۴	۰.۰۹۷	۰.۰۷۸	۰.۰۴۰
توجه به ملاحظات انسانی و ارزشی	۰.۷۵۲	۰.۱۸۸	۰.۱۲۶	۰.۱۹۳	۰.۰۲۴	-۰.۰۳۷
شکل گیری سازش جمعی بین منافع و هم رایی و مصالحه	۰.۶۱۵	۰.۲۴۹	۰.۲۲۶	۰.۲۸۴	۰.۰۴۹	۰.۱۰۶
رسیدن به اجماع و تفاهم بین ذی نفعان	۰.۵۶۶	۰.۱۰۵	۰.۰۹۰	۰.۳۷۰	۰.۰۴۸	۰.۰۸۳

جدول ۷: نام گذاری عوامل

نام گذاری عوامل	شاخص / بارعاملی										عامل
سهیم نمودن شهروندان	رسیدن به اجماع و تفاهم بین ذی نفعان	شکل گیری سازش جمعی بین منافع و هم رایی و مصالحه	توجه به ملاحظات انسانی و ارزشی	توجه به زمینه و بستر	وجود ادراک متقابل بین افراد	توجه به نیازها، خواسته و نگرانی های شهروندان	جلب اطمینان و اعتماد متقابل شهروندی	مشارکت دادن گروه های اقلیت و خاص	اطلاع رسانی و آگاهی دهی به افراد مشارکت کننده و دستیابی آنها به اطلاعات اجتماعی	شاخص	عامل شماره ۱

		۰.۵۶۶	۰.۶۱۵	۰.۷۵۲	۰.۷۴۰	۰.۵۱۸	۰.۶۰۱	۰.۶۰۰	۰.۵۴۱	۰.۴۷۵	بار عاملی	
عامل شماره ۲	شاخص	کنترل و نظارت شهروندان	حق اعتراض شهروندان	همکاری و تعامل شهروندان با متخصصین	مذاکرات بین شهروندان و تصمیم گیران و یا برگزاری گفتمانها، جلسات و کارگروه مشترک و مردم و مسئولین	بهره گیری از دانش، تجربه و استعداد و خلاقیت شهروندان	نظرخواهی و نظرسنجی از شهروندان					
	بار عاملی	۰.۴۷۶	۰.۶۷۶	۰.۶۳۴	۰.۷۳۱	۰.۴۹۰	۰.۴۲۷					
عامل شماره ۳	شاخص	ارائه گزارش نهایی توسط حرفه مندان در خصوص فعالیت‌های انجام شده	داشتن آزادی عمل و بیان	وجود چارچوب‌های شفاف برای مخاطبان در تصمیم گیری	نقش داشتن و شنیده شدن صدای تمام افراد دخیل در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری	توزیع قدرت و ایجاد فرصت‌های برابر	توجه به منافع همه گروه‌های اجتماعی					
	بار عاملی	۰.۶۷۲	۰.۴۹۸	۰.۳۶۱	۰.۶۹۷	۰.۵۱۳	۰.۴۳۸					
عامل شماره ۴	شاخص	وجود محرك های قانونی پشتیبان مشارکت و تعامل شهروندان	به کار گیری فرآیندهای از پایین به بالا	وجود منابع سازمانی کافی								
	بار عاملی	۰.۴۳۷	۰.۷۷۳	۰.۵۶۳								
عامل شماره ۵	شاخص	همکاری افراد با تخصص های مختلف و روابط متکثر	فعالیت‌های دموکراسی محور و داوطلبانه									
	بار عاملی											
عامل شماره ۵	شاخص	تکثرگرایی و کثرت گرایی										
	بار عاملی											

								۰.۵۰۱	۰.۷۶۰	بار عاملی	
حس تعلق و مسئولیت شهروندی								استفاده از رسانه های گروهی	احساس مسئولیت شهروندان	شاخص	عامل شماره ۶
								۰.۷۴۳	۰.۷۱۵	بار عاملی	

آگاهی دهی به افراد مشارکت کننده و دستیابی آنها به اطلاعات اجتماعی، مشارکت دادن گروه های اقلیت و خاص، جلب اطمینان و اعتماد متقابل شهروندی، توجه به نیازها، خواسته و نگرانی های شهروندان، وجود ادراک متقابل بین افراد، توجه به زمینه و بستر و ملاحظات انسانی و ارزشی، شکل گیری سازش جمعی بین منافع و هم رایی و مصالحه، رسیدن به اجماع و تفاهم بین ذی نفعان، دادن قدرت شهروندی به آنها (مشمول بر مواردی نظیر کنترل و نظارت شهروندان، حق اعتراض شهروندان، همکاری و تعامل شهروندان با متخصصین، مذاکرات بین شهروندان و تصمیم گیران و یا برگزاری گفتمانها، جلسات و کارگروه مشترک مردم و مسئولین، بهره گیری از دانش، تجربه و استعداد و خلاقیت شهروندان، نظرخواهی و نظرسنجی از شهروندان)، شفاف سازی و آگاهی بخشی (مشمول بر مواردی نظیر ارائه گزارش نهایی توسط حرفه مندان در خصوص فعالیتهای انجام شده، داشتن آزادی عمل و بیان، وجود چارچوبهای شفاف برای مخاطبان در تصمیم گیری، نقش داشتن و شنیده شدن صدای تمام افراد دخیل در طرح ها و برنامه های توسعه شهری، توزیع قدرت و ایجاد فرصتهای برابر، توجه به منافع همه گروه های اجتماعی)، نهادهای پشتیبان (مشمول بر مواردی نظیر وجود محرک های قانونی پشتیبان مشارکت و تعامل شهروندان، به کار گیری فرآیندهای از پایین به بالا، وجود منابع سازمانی کافی)، کثرت گرایی و تکثر گرایی (مشمول بر مواردی نظیر همکاری افراد با تخصص های مختلف و روابط متکثر، فعالیتهای دموکراسی محور و داوطلبانه) و حس تعلق و مسئولیت شهروندان (مشمول بر مواردی نظیر احساس مسئولیت شهروندان، استفاده از رسانه های گروهی) بر برنامه ریزی تعاملی در حیطه شهرسازی اثرگذار است؛ چرا که عوامل اشاره شده در بخش فوق، در برگیرنده های شاخص های

بحث و نتیجه گیری

«با مطرح شدن پیوند میان تئوریهای اخلاقی مباحث شهرسازی از اواخر دهه ۱۹۷۰ به پیشگامی افرادی چون هابرماس، فریدمن و فورستر برنامه ریزی شهری خصلتی ارتباطی- تعاملی یافته است؛ فرآیندی که انسان را به عنوان محور توسعه و عامل اصلی، در بطن فرآیند برنامه ریزی مورد توجه قرار میدهد. این رهیافت نوین از جمله تفاسیر سیاسی برنامه ریزی است که بر ترکیبی از گفتار آرمانی هابرماس و دغدغه پساساختاری فوکو اتکاء دارد و به زعم فورستر در جهت دموکراتیزه کردن روابط روزمره سیاسی در برنامه ریزی عمل می نماید» [۲۰]. یکی از مهم ترین موضوعات در خصوص مبحث برنامه ریزی های تعاملی و ارتباطی، شناسایی عوامل موثر بر این موضوع از دیدگاه افرادی است که در این حیطه مشغول به فعالیت هستند؛ چرا که برنامه ریزی های تعاملی به عنوان یکی از میراث مهم عصر حاضر رشته شهرسازی قلمداد شده است. وجه تمایز این پژوهش با پژوهش های پیشین در این است که در این پژوهش به بررسی و استخراج عوامل موثر بر برنامه ریزی تعاملی و ارتباطی از دیدگاه حرفه مندان رشته شهرسازی عصر حاضر پرداخته شده است. لذا پژوهش انجام شده در پی بررسی این عوامل بوده است. در واقع این پژوهش در پی تدوین عوامل موثر بر برنامه ریزی های تعاملی به عنوان میراث معاصر شهرسازی از دیدگاه حرفه مندان عصر حاضر این رشته بوده است تا زمینه تعامل بیشتر را فراهم آورد.

پایایی نتایج پژوهش با استفاده از آلفای کرنباخ اندازه گیری شده است و همچنین به منظور شناسایی و کشف عوامل موثر بر این موضوع روش تحلیل عاملی به کار گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان داد که به صورت کلی عواملی نظیر سهیم نمودن شهروندان (مشمول بر مواردی نظیر اطلاع رسانی و

این موضوع خود سبب بهبود کیفیت برنامه ها و طرح های شهری و افزایش رضایت مندی شهروندان به سبب لحاظ شدن خواسته ها و نیازهای آنان در طرح ها و برنامه ها خواهد شد. نکته مهم در این زمینه آن است که تجربه نمونه های موفق در برنامه ریزی های تعاملی نشان می دهد در صورت برنامه ریزی درست و به کارگیری مناسب این نوع از برنامه ریزی ها، می توان انتظار داشت اتفاقات موثری در زمینه افزایش مشارکت شهروندان و مسئولین در فرآیندهای شهرسازی صورت گیرد.

مطالعه شده است و دسته بندی کلی تری را از شاخص های مورد بررسی نشان می دهد. بنابراین پیشنهاد میشود مدیران، برنامه ریزان، طراحان و تمامی تصمیم گیران موثر در فرآیند برنامه ریزی شهری، عوامل ذکر شده را به عنوان مهم ترین عوامل در کلیه رویه های امور شهری سرلوحه کار خود قرار دهند. و با تکیه بر عوامل فوق میزان تعامل و مشارکت ذی نفعان و ذی نفوذان در فرآیندهای شهرسازی را جلب نمایند تا برنامه ریزی های تعاملی به عنوان یکی از میراث معاصر شهرسازی زمینه مشارکت و تعامل و در نتیجه اثربخشی بیشتر را فراهم آورد.



تشکر و قدردانی: این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول، با عنوان «مدل نظری برنامه ریزی تعاملی هوشمند؛ در جستجوی فضاهای شهری تعامل گرا در شهر تهران» است که به راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه تربیت مدرس در حال انجام است.

تاییدیه‌های اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان در مقاله: نویسنده اول شامل گردآوری مطالب، تهیه محتوای اولیه و تدوین مقاله برابر با ۵۰ درصد، نویسنده دوم مقاله شامل اصلاح محتوای تهیه شده، کنترل داده ها، تحلیل نتایج و انجام اصلاحات داوری برابر با ۵۰ درصد.

منابع مالی/حمایت‌ها: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

References

- [1] Mohammadzadeh Titkanlu H. Transformation in urban planning theories and its effect on evaluation methods. Planning and budget quarterly. 1999; 4 (9): 47-68. [Persian] <https://jpbud.ir/article-1-729-fa.html>.
- [2] Sharifzadegan MH, Shafiei A. Communicative planning as a proposed approach for urban planning at the neighborhood scale in Farahzad neighborhood of Tehran. Social welfare. 2014; 15(56): 281-313. [Persian] <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2081-fa.html>.
- [3] Rafiyan M, Jahanzad N. Transformation of Thought in Planning Theory. Tehran: Armanshahr Publications; 2014. 287 p. [Persian]
- [4] Mokheri M. Executive and Institutional Mechanisms to Realize Communication Planning in Tehran [dissertation]. Tehran Iran, University of Arts, Faculty of Architecture and Urban Planning. 2016. [Persian]
- [5] Irazábal C. Realizing planning's emancipatory promise: Learning from regime theory to strengthen communicative action. Planning Theory. 2009; 8(2): 115-139. <https://doi.org/10.1177/1473095209102230>.
- [6] Dadashpour H, Rafiyan M, Haqjo MR. The necessity of applying the concept of rationality in strategic spatial planning, Space Planning and Development. 2017; 22(1): 52-22. [Persian] <https://hsmmp.modares.ac.ir/article-21-14015-fa.html>.
- [7] Ejlali P, Rafiyan M, Asgari A. Planning Theory: Traditional and New Perspectives. Tehran: Agah; 2016. [Persian]
- [8] Harris N. Collaborative Planning from Theoretical Foundations to Practical Forms, edited by Allmendinger P, Theodore-Jones M, translated by Aghvami Moghadam A. Tehran: published in Dialectic of Futures; 2022. [Persian]
- [9] Bintari A, Akbar I. Collaborative planning in policy-making process in Bandung City. In Unhas International Conference on Social and Political Science (UICoSP 2017) 2017 Oct (pp. 30-33). Atlantis Press. <https://doi.org/10.2991/uicosp-17.2017.9>.
- [10] Mattila H. Habermas revisited: Resurrecting the contested roots of communicative planning theory. Progress in Planning. 2020 Oct 1; 141:100431. <https://doi.org/10.1016/j.progress.2019.04.001>.
- [11] Du G, Kray C, Degbelo A. Interactive immersive public displays as facilitators for deeper participation in urban planning. International Journal of Human-Computer Interaction. 2020 Jan 2; 36(1):67-81. <https://doi.org/10.1080/10447318.2019.1606476>.
- [12] European Institute for Public Participation (EIPP). Public Participation in Europe an international perspective [Internet] 2009; Available from: http://www.partizipation.at/fileadmin/media_data/
- [13] Brand R, Gaffikin F. Collaborative planning in an uncollaborative world. Planning theory. 2007 Nov; 6(3): 282-313. <https://doi.org/10.1177/1473095207082036>.
- [14] Bäcklund P, Mäntysalo R. Agonism and institutional ambiguity: Ideas on democracy and the role of participation in the development of planning theory and practice-the case of Finland. Planning theory. 2010 Nov; 9(4): 333-50. <https://doi.org/10.1177/1473095210373684>
- [15] Allmendinger P. Planning theory. Bloomsbury Publishing; 2017 Sep 16.

- [16] Ruknuddin Eftekhari A, and Behzadnasab J. Communicative planning, a critical approach to planning theory (with emphasis on rural development planning). *Modares Humanities*, 2013; 8(1(consecutive 32)): 1-22. [Persian]. <http://hsmasp.modares.ac.ir/article-21-2855-fa.html>.
- [17] Rafiyan M, Maroufi S. The role and application of communication planning approach in modern theories of urban planning. *Utopia Architecture and Urbanism*, 2011; 4(7): 113-120. [Persian]. https://www.armanshahrjournal.com/article_32687.html.
- [18] Hillier J. *Shadows of power, a story of foresight in land use planning*, translated by: Poladi K, Tehran, Azarkhash Publications, 2003; [Persian].
- [19] Richardson T. *Foucaultian Discourse: Power and Truth in Urban and Regional Policymaking*, edited by Allmendinger P, Theodore-Jones M, translated by Aghvami Moghadam A. Tehran, published in *Dialectic of Futures*; 2022. [Persian]
- [20] Hashempour R, Qureshi S M Sh, Khalobaghri M. communication planning, a new paradigm in urban planning - with an emphasis on the case of Iran, the first national conference on urban planning and architecture over time, Qazvin ;2012. [Persian].
- [21] Sediqi B. Anthony Giddens' theory of construction: theoretical and methodological consequences and its practical application in sociology, *Social Research*, 2009; Volume 3 (Number 9): 167-141. [Persian].
- [22] Aliabadi L, Asgari Z. Collaborative approach in urban planning. National conference on urban planning and architecture over time, 2012; [Persian] .
- [23] Hedayati Fard M. Analyzing the necessity of using collaborative environmental planning in the six districts of Tehran Municipality as a case study. *Armanshahr Architecture and Urbanism*, 2014; 8(15): 369-383.[Persian]. https://www.armanshahrjournal.com/article_34154.html.
- [24] Firoozi MA, Sajjadian N, Alizadeh H. Prioritizing the application of John Friedman's non-Euclidean planning theory criteria in urban planning in Iran. *Geospace*, 2015; 16(53), 1-21. [Persian] SID. <http://geographical-space.iau-ahar.ac.ir/article-1-2346-fa.html>.
- [25] Motusoli M, Haji Ali Akbari K. collective action; The connection point of institutional thinking and communication planning approach. *Planning and budget quarterly*. 2016; 21 (4): 15-45. [Persian]. <https://jpbud.ir/article-1-1358-fa.html>.
- [26] Tarhani H, Partovi P. Public interest analysis in communication planning theory. *International Congress of Interdisciplinary Studies in Basic Sciences and Engineering*. 2016; [Persian].
- [27] Mokhberi M, Partoi P. Analysis of institutional requirements to realize communication planning in Tehran. *Urban Management Studies*, 2016; 9(32): 53-67. [Persian]. https://ums.srbiau.ac.ir/article_12574.html.
- [28] Nouri Karder M, Zahedi S, and Nazimi M. Examining the role of communication planning as a new approach in improving quality and urban development in Iran; Case example: Sohrabieh neighborhood of Karaj. *Urban Management*, 2016; 16(49), 117-132. [Persian].
- [29] Karimzadeh D, Dawoodpour Z. Democratic approaches in urban planning and the emergence of controversial theory (agonism). *Urban Structure and Function Studies*, 2017; 5(16), 111-128. [Persian]. https://shahr.journals.umz.ac.ir/article_2014.html.
- [30] Rezapour M, Bahraini SH, Tabibian M. Evaluation of the relationship between communication and urban sustainability (case study: Tehran). *Human Geography Research*, 2019; 52(1): 89-109 [Persian]. https://jhgr.ut.ac.ir/article_66150.html.
- [31] Sabermanesh A, Ahmadi H, Barati N. Explaining the components of urban planning education with an emphasis on the relationship with the professional learning community. *Urban and Regional Development Planning Quarterly*, 2021; 6(17): 147-178. [Persian]. https://urdp.atu.ac.ir/article_13522.html.
- [32] Nasiri Y, Daudpour Z, Moinifar M. The theory of participatory urban planning and the conditions for its realization in the urban planning system of Iran. *Quarterly Journal of Geography (Regional Planning)*, 2021; 11(42): 693-714. [Persian]. https://www.jgeoqeshm.ir/article_130378.html.
- [33] Pourmohammadi M R, Khaleghi A. Analyzing the existing inadequacies of local rural planning based on the theory of communication planning in East

Azarbajan province. Local Development (Rural-Urban), 2022; 14(1): 141-169. [Persian]. https://jrd.ut.ac.ir/article_86999.html.

[34] Zargari Marandi E, Soltani A. Analyzing the fundamental dualities in the concept of public interest in urban planning and policymaking. Danesh Shahrsazi, 2016; 1(1): 21-36. [Persian]. https://upk.guilan.ac.ir/article_2798.html.

[35] Hudson BM, Galloway TD, Kaufman JL. Comparison of current planning theories: Counterparts and contradictions. Journal of the American planning association, 1979 Oct; 45(4), 387-398

[36] Mansouri M. restoring the cultural-social identity of Khayam neighborhood of Ilam city with the approach of participatory urban development, Farhang Ilam, 2017; 19(58-59): 133-154. [Persian]. https://www.farhangeilam.ir/article_78706.html.

[37] Valdebigi S, Habibian H. comparative study of supportive and participatory urban planning theories with an emphasis on the concept of social justice. environmental studies of Haft Hesar, 2014; 4 (14): 25-34. [Persian]. <https://hafthesar.iauh.ac.ir/article-1-296-fa.html>.

[38] Habibi, S. M, and Saeedi Rezvani, H. (2005). participatory urban planning; A theoretical exploration in the conditions of Iran. Fine arts, 24. https://jhz.ut.ac.ir/article_13877.html. [Persian]

[39] Taylor, N. Theories of urban planning (from the beginning to the present), translated by Shurche, M, 2014; Parham Naqsh. [Persian].

[40] Friedman, J. Rebels, essays on planning theory, translated by Rafiyan M, Nazari M, 2011, Tehran, Armanshahr. [Persian]

[41] Cad C. Interactive land use planning, a guide to building trust between neighbors, contractors, planning officials and environmentalists, translated by Latifi Gh, Vakil F, Semit Organization, 2013; [Persian].

[42] Haq Bayan R. the use of interactive planning in improving the function of urban spaces explored in the pedestrian area of Shahrivar 17, [dissertation]. Tehran Iran, Iran University of Science and Technology, Faculty of Architecture and Urban, 2017; [Persian].

[43] Gagliardi D, Schina L, Sarcinella ML, Mangialardi G, Niglia F, Corallo A. Information and

communication technologies and public participation: interactive maps and value added for citizens. Government Information Quarterly, 2017; 34(1), 153-166. <https://doi.org/10.1016/j.giq.2016.09.002>.

[44] Flacke J, Shrestha R, Aguilar R. Strengthening participation using interactive planning support systems: A systematic review. ISPRS international journal of geo-information, 2020; 9(1), 49. <https://doi.org/10.3390/ijgi9010049>.

[45] Bolton R. Habermas's theory of communicative action and the theory of social capital. Association of American Geographers, Denver, Colorado, 2005; April, 2.

[46] Margerum RD. Evaluating collaborative planning: Implications from an empirical analysis of growth management. Journal of the American Planning Association, . 2002; 68(2), 179-193. <https://doi.org/10.1080/01944360208976264>.

[47] Tewdwr-Jones M, Thomas H. Collaborative action in local plan-making: Planners' perceptions of 'planning through debate'. Environment and Planning B: Planning and Design, 1998; 25(1), 127-144. <https://doi.org/10.1068/b250127>.

[48] Hanberger A. Evaluation of and for Democracy. *Evaluation*, 2006; 12(1), 17-37. <https://doi.org/10.1177/1356389006064194>.

[49] Healey P. Collaborative planning in perspective. *Planning theory*, 2003; 2(2), 101-123. <https://doi.org/10.1177/14730952030022002>.

[50] Sager T. Deliberative planning and decision making: An impossibility result. Journal of Planning Education and Research, 2002; 21(4), 367-378. <https://doi.org/10.1177/0739456X0202100402>.

[51] Schroeter R. Engaging new digital locals with interactive urban screens to collaboratively improve the city. In Proceedings of the ACM 2012 conference on computer supported cooperative work, 2012, February; (pp. 227-236). <https://doi.org/10.1145/2145204.2145239>.

[52] Yetano A, Royo S, Acerete B. What is driving the increasing presence of citizen participation initiatives?. Environment and Planning C: Government and Policy, 2010 Oct;28(5):783-802. <https://doi.org/10.1068/c09110>.

- [53] Healey, P. *Collaborative planning: Shaping places in fragmented societies*. Macmillan International Higher Education, 1997.
- [54] Forester J. On the theory and practice of critical pragmatism: Deliberative practice and creative negotiations. *Planning theory*, 2013 Feb;12(1):5-22. <https://doi.org/10.1177/1473095212448750>.
- [55] Brownill S. The dynamics of participation: modes of governance and increasing participation in planning. *Urban Policy and Research*. 2009 Dec 1;27(4):357-75. <https://doi.org/10.1080/08111140903308842>.
- [56] Abelson J, Forest PG, Eyles J, Casebeer A, Martin E, Mackean G. Examining the role of context in the implementation of a deliberative public participation experiment: Results from a Canadian comparative study. *Social science & medicine*. 2007 May 1;64(10):2115-28. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2007.01.013>.
- [57] Sayad N, Saidi Rizvani N. Shart, a way to participate in urban design. *Urbanism and Environmental Identity Architecture Research Quarterly*, 2019; 1(3): 1-16. https://www.ei-journal.ir/article_107525.html. [Persian]
- [58] Khadem Al-Hosseini A, Arefipour S. Participatory urban planning and people's place in urban planning. *Human Settlements Planning Studies (Geographical Perspective)*, 2011; 7(19), 108-123. <https://sanad.iau.ir/Journal/jshsp/Article/1032733>. [Persian]
- [59] Ebdon C, Franklin AL. Citizen participation in budgeting theory. *Public administration review*. 2006 May;66(3):437-47. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6210.2006.00600.x>.
- [60] Ran B. Evaluating public participation in environmental policy-making. *J US China Public Adm*. 2012 Apr; 9(4):407-23.
- [61] Parcell Mark. standing against neoliberalization; Communicative planning or anti-hegemonic movement, translated by Barzegar S, Shahr Sazi Journal, 2016; 46: 128-148. [Persian]
- [62] Campbell H, Marshall R. Utilitarianism's bad breath? A re-evaluation of the public interest justification for planning. *Planning Theory*. 2002 Jul;1(2):163-87. <https://doi.org/10.1177/147309520200100205>.
- [63] Rowe G, Marsh R, Frewer LJ. Evaluation of a deliberative conference. *Science, Technology, & Human Values*. 2004 Jan; 29(1):88-121. <https://doi.org/10.1177/0162243903259194>.
- [64] Daneshpour SA, Behzadfar M, Barakpour N, Sharfi M. Participatory planning environment, presenting a conceptual model for analyzing factors affecting citizens' participation in planning. *Journal of Architecture and Urbanism*, 2016; 9(18), 23-41. http://aup.journal.art.ac.ir/article_510.html. [Persian]
- [65] Bonafede G, Lo Piccolo F. Participative planning processes in the absence of the (public) space of democracy. *Planning Practice & Research*. 2010 Jun 1;25(3):353-75. <https://doi.org/10.1080/02697459.2010.503430>.
- [66] Yazdani A, Kashtkar V. The effect of the public domain on citizens' participation in urban affairs, with an emphasis on urban regeneration. *Haft Shahr*, 2015; 4 (No. 53 and 54), 157-173. https://www.haftshahrjournal.ir/article_24609.html. [Persian]
- [67] Conrad E, Cassar LF, Christie M, Fazey I. Hearing but not listening? A participatory assessment of public participation in planning. *Environment and planning C: government and policy*. 2011 Oct; 29(5):761-82. <https://doi.org/10.1068/c10137>.
- [68] Yang K, Pandey SK. Further dissecting the black box of citizen participation: When does citizen involvement lead to good outcomes?. *Public administration review*. 2011 Nov;71(6):880-92. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6210.2011.02417.x>.
- [69] Cowell R, Owens S. Governing space: planning reform and the politics of sustainability. *Environment and planning C: government and policy*. 2006 Jun; 24(3):403-21. <https://doi.org/10.1068/c0416j>.
- [70] Zebardast E, Khalili A, Dehghani M. The use of factor analysis method in identifying worn-out urban tissues. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urbanism*, 2012; 18(2): 27-42. https://jfaup.ut.ac.ir/article_50524.html. [Persian]